

تحلیل اخلاقی اصل صداقت در قرآن و روایات و انطباق آن با چگونگی معاشرت در فضای مجازی

ابراهیم کلانتری*
حمیده بهروز مقدم**

چکیده

توسعه فضای مجازی و سیطره آن بر زندگی انسان عصر حاضر، چالش‌های متعددی را به لحاظ اخلاقی، امنیتی، روانی و اقتصادی برای انسان به ارمغان آورده است. همین امر سبب شده است که برخی از سازمان‌ها، نهادها، فعالان اجتماعی و اندیشمندان دلسوز در نقاط مختلف جهان به هدف پیشگیری از همین چالش‌ها، به تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها و اصول اخلاقی متعددی برای کاربران فضای مجازی اقدام نمایند. این پژوهش با همین رویکرد به واکاوی و تحلیل اصل صداقت در قرآن کریم و روایات معصومین^{علیهم‌السلام} پرداخته و با انطباق آن بر فضای مجازی به این نتیجه رسیده است که «اصل صداقت» به دلیل توسعه مفهومی، اتکاء همه فضایل اخلاقی بر آن، ناظر بودن بر ساختار وجودی انسان و همچنین اطلاق آن در آیات و روایات، یک اصل اخلاق پیشینی و حاکم بر سایر اصول اخلاقی است که فارغ از هرگونه قیدی، یک الزام اخلاقی فرازمانی، فرامکانی و فراعرضه‌ای را برای انسان پدید می‌آورد.

واژگان کلیدی

اصل صداقت، فضای مجازی، چالش‌های فضای مجازی، اخلاق.

طرح مسئله

فضای مجازی در عصر حاضر به بخشی از زندگی و دنیای حقیقی انسان‌ها تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که زندگی آدمیان بدون برخورداری از فضای مجازی تا حدودی ناممکن به نظر می‌آید. دنیای مجازی با درنوردیدن مرزهای سنتی و معهود و فراسرزمینی کردن ارتباطات، گرچه نتایج ارزشمندی را برای شهروندان جوامع معاصر به ارمغان آورده، اما پیامدها، عواقب و چالش‌های جدیدی نیز در زندگی آدمیان رقم زده است. سیطره فضای مجازی بر زندگی آدمیان نه فقط موجب تشدید چالش‌های اخلاقی از قبیل مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، فردگرایی، بطالت، بی‌هویتی، خودفراموشی، فساد و بی‌بندوباری و ... شده، که انواعی از معضلات اجتماعی و اخلاقی جدید را نیز برای شهروندان جهان مدرن به ارمغان آورده است. سرقت‌ها، کلاهبرداری‌ها و اختلاس‌های اینترنتی، جنگ‌های روانی، اشاعه فواحش مدرن، جنگ نرم، شکسته شدن مرزهای فرهنگی، امنیتی، ملی، اخلاقی، نابودی سنت‌ها و ارزش‌های بومی ملت‌ها و ده‌ها چالش دیگر، از جمله همین معضلات جدید می‌باشند که شماری از اضطراب‌ها، استرس‌ها، روان‌پریشی‌ها، اعتیادها و بیماری‌های جسمی و روحی را در زندگی انسان این عصر پدید آورده‌اند. از سوی دیگر، بیشتر بررسی‌ها و تحقیقات پیمایشی صورت‌گرفته، وجود رابطه معکوس بین هویت دینی و فضای مجازی را به اثبات رسانیده‌اند. (قاسمی و احمدی، ۱۳۹۵) براساس این گسترش و سیطره فضای مجازی بر زندگی انسان این عصر، افزون بر چالش‌های پیش‌گفته، هویت دینی او را نیز با مخاطره جدی مواجه ساخته است.

بی‌تردید، پدیدار شدن این چالش‌های مخرب را نمی‌توان معلول کشف، ایجاد، ظهور و حضور همه‌جانبه «فضای مجازی» در زندگی انسان دانست؛ بلکه باید علل و عوامل این وضعیت ناپهناجر را در نحوه حضور و استفاده از این فضای نامحدود جستجو کرد.

حقیقت این است که فضای مجازی نیز همانند فضای حقیقی، بخشی از جهان واقعی است که در عصر جدید به یمن پیشرفت علم و تکنولوژی به تسخیر انسان درآمده است. وجود چنین فضایی در واقعیت جهان و کشف آن توسط انسان و حضور همه‌جانبه آن در زندگی آدمیان، یک ظرفیت عظیم بالقوه برای رشد و ارتقاء علمی، معرفتی و رفتاری و همچنین زمینه‌ای برای تحولات مثبت و تکامل‌یافته در سبک و شیوه‌های زندگی است؛ اما به فعلیت رساندن این ظرفیت در جنبه‌های مثبت و یا منفی در گرو چگونگی حضور در این فضا و بهره‌برداری از آن می‌باشد.

همان‌گونه که حضور در فضای حقیقی و استفاده مناسب و نقش‌آفرینی صحیح در آن در گرو شناخت بایدهوینایدهای متعدد اخلاقی و التزام و تعهد عملی به آنهاست، حضور در فضای مجازی و بهره‌مندی صحیح از آن نیز در گرو شناخت اصول، الزامات و دستورالعمل‌های اخلاقی بسیار و تعهد عملی به آنهاست. با توسعه سریع فضای مجازی، برخی از سازمان‌ها و بسیاری از فعالان اجتماعی و اندیشمندان دلسوز در نقاط مختلف جهان، تدوین و ابلاغ این‌گونه اصول و دستورالعمل‌ها را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند. (شهریاری، ۱۳۸۸) با عنایت به وسعت مفهومی «صدق» و جهات دیگری که در آن نهفته است به نظر می‌رسد رعایت آن در فضای مجازی به‌عنوان یک اصل اخلاقی حاکم بر سایر اصول، از نوعی اهمیت و تقدم ذاتی برخوردار باشد. این تحقیق که تحت عنوان «تحلیل اخلاقی اصل صداقت در قرآن و روایات و انطباق آن با چگونگی معاشرت در فضای مجازی» به انجام می‌رسد، درصدد است این اهمیت و تقدم ذاتی را با استفاده از آیات و روایات به اثبات برساند.

تبیین مفاهیم کلیدی

پیش از ورود به مسئله اصلی این تحقیق، لازم است بعضی از مفاهیم مهم که جنبه کلیدی برای این پژوهش دارند، مورد توجه قرار گیرند:

اصل اخلاقی

«اصل» به معنای بنیاد هر چیزی و هر آنچه بسته به آن است، می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل واژه اصل) ریشه و پایه (قرشی، ۱۳۷۱: ذیل واژه اصل) و آنچه که چیزی بر آن بنا می‌گردد، چه در جمادات، چه در نباتات، چه در حیوانات، چه در معقولات و یا در علوم مختلف، چنان که گفته می‌شود: اصل دیوار، اصل درخت، اصل انسان، اصل شناخت و ... (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل واژه اصل)

«اخلاق»، جمع خُلُق و خُلُق به معنای سرشت، خوی، طبع و صورت درونی و باطنی انسان است که با چشم بصیرت قابل رؤیت است در مقابل خُلُق که همان صورت ظاهری است که با چشم ظاهری قابل رویت است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل واژه خلق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶: ذیل واژه خلق، قرشی، ذیل واژه خلق) راغب اصفهانی در بیان تفاوت خُلُق و خُلُق چنین می‌گوید:

خُلُق و خُلُق از یک ریشه‌اند مانند شَرَب و شَرَب و صَرَم و صَرَم و صَرَم و صَرَم، لیکن خُلُق اختصاص دارد به هیئت‌ها، شکل‌ها و صورت‌هایی که با چشم دیده می‌شوند، اما خُلُق اختصاص دارد به قوا و سجایایی که با بصیرت شناخته می‌شوند. (همان)

از آنجاکه مجموعه ملکات نفسانی و سجایا و سرشت درونی و باطنی انسان، مبدأ و سرچشمه اعمال و رفتارهای او هستند، به همین دلیل بر رفتارها و اعمال انسان نیز «اخلاق» اطلاق شده است. فیض کاشانی در تعریف اخلاق چنین می‌گوید:

«اخلاق» عبارت است از ملکه راسخه در نفس انسان که افعال انسان به راحتی و بدون فکر و تأمل از آن صادر می‌شود. (فیض کاشانی، ۱۳۷۸: ۵۴؛ همو، بی تا: ۵ / ۹۵)

اصل اخلاقی، که از ترکیب دو واژه «اصل» و «اخلاق» پدید آمده است، عبارت است از یک بنیاد و پایه ثابت و کلی اخلاقی - ملکه نفسانی و پیامدهای رفتاری آن - که مصادیق متعددی از افعال اخلاقی انسان بر آن استوار است. صداقت، مصدر از ماده «صدق»، به معنای تمام بودن و پاک بودن از خلاف و براساس حق بودن است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل واژه صدق). معنای صدق در کاربردهای مختلف، متفاوت می‌باشد:

۱. صدق در اعتقاد بدین معناست که باور، مطابق با حق و واقع ثابت باشد؛ ۲. صدق در اظهار اعتقاد یعنی اظهار باور، مطابق اعتقاد و به دور از هرگونه نفاق؛ ۳. صدق در سخن و خبر به معنای سخن و خبر مطابق با مخبر عنه است؛ ۴. صدق در سخن انشایی دربرگیرنده انشاء مطابق قلب و نیت خالص می‌باشد؛ ۵. صدق در احساس بدین معناست که احساس، صحیح و منطبق به آنچه در درون است باشد؛ ۶. صدق در عمل آن است که عمل از جمیع جهات و شرایط تمام باشد؛ ۷. صدق در مطلق امور بدین معناست که انسان در باور، سخن و عمل صادق باشد. (همان) بنابراین «صدق» و به تبع آن «صداقت» دارای مفهوم گسترده‌ای است که هم «سخن»، هم «عقیده» و هم «عمل» را با همه توابع آنها، شامل می‌شود. نقطه مقابل صدق، «کذب» است (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل واژه کذب) و آن چیزی است که خلاف واقع و حق باشد، اعم از آنکه سخن، عمل، اعتقاد، در امور عینی و یا امور معنوی باشد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل واژه کذب). از آنجاکه «صدق» مطابقت با حق و واقع است و «کذب» نقطه مقابل آن است، بنابراین کذب نیز دارای مفهوم گسترده و مصادیق گوناگونی خواهد بود. کذب در قول (همه انواع قول، اعم از اخبار، انشاء، استفهام، انکار و ...)، کذب در عمل، کذب در اعتقاد، کذب در اظهار اعتقاد، کذب در احساس و ابراز احساس و ... همگی از مصادیق کذب و نقطه مقابل صدق می‌باشند. فضای مجازی از دو کلمه «فضا» و «مجازی» ترکیب شده است. «فضا» به معنای میدان و عرصه (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل واژه فضا) و «مجازی» به معنای غیرحقیقی است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ذیل واژه مجاز؛ معین، ۱۳۶۰: ذیل واژه مجاز) دیوید بل در تعریف فضای مجازی می‌گوید:

یک دنیای جدید، یک دنیای موازی است که با خطوط ارتباطی و کامپیوترهای جهان خلق و نگهداری می‌شود. دنیایی که در آن تردد جهانی دانش، رموز، سنجش‌ها، شاخص‌ها، سرگرمی‌ها و عملیات دیگری انسانی شکل می‌گیرد. تاکنون هرگز بر روی زمین دیده نشده که امور دیدنی، صداها و حضورها در یک روشنایی عظیم الکترونیک شکوفا شوند. (بل، ۱۳۸۹: ۲۲ و ۲۳)

فضای مجازی را می‌توان برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای به کار برد درحقیقت فضای مجازی نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه‌های رایانه‌ای هم‌پیوند تأمین می‌شود که با اندکی مسامحه می‌توان آن را مترادف با «شبکه جهانی اینترنت» دانست. اندرسون واقعیت مجازی را «واقعیت خلق شده توسط رایانه» می‌داند، واقعیتی که از آن‌رو مجازی یا مصنوعی است که در دنیای واقعی محیط مادی، مکانی را اشغال نکرده و در اذهان کاربران در نتیجه تعامل با واسط الکترونیکی وجود دارد. واقعیت مجازی واقعیتی است که وجود

فیزیکی نداشته، توسط نرم افزار تولید می‌شود. (سایت تبیان، <http://article.tebyan>)
 به نظر می‌رسد در نام‌گذاری این عرصه و میدان وسیع واقعی به «فضای مجازی» نوعی تسامح عرفی وجود داشته است و دلیل آن نیز آن است که مجموعه واقعیت‌های موجود در این عرصه - اعم از نوشتارها، اسناد، تصاویر، صوت‌ها، پیام‌ها و تعاملات - هیچ فضای مادی و مکان فیزیکی را اشغال نکرده است.

صدق و صداقت در آیات قرآن

صدق، صداقت و راستی، در منظومه اخلاقی اسلام از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آیات و روایات بسیاری از این اهمیت و جایگاه خاص پرده برداشته‌اند.

قرآن کریم در توصیف حقیقت نیکوکاری و نیکوکاران واقعی چنین می‌فرماید:

نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید، بلکه نیکوکاری آن است که کسی به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب وحی و پیامبران ایمان آورد و اموال خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه‌ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بردگان صرف کند؛ و نماز بها دارد و زکات بدهد و آنان که به عهدهای خود وفا کنند آنگاه که عهد می‌بندند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور باشند. (بقره / ۱۷۷)

قرآن در ادامه همین آیه می‌فرماید: «اینان به حقیقت راست‌گویان‌اند و اینان به حقیقت پرهیزگارانند». آیه بالا نیکوکاران حقیقی را افرادی می‌داند که همزمان متصف به ایمان حقیقی، عمل صالح و اخلاق هستند و در ادامه ایشان را «الَّذِينَ صَدَقُوا = راست‌گویان» معرفی می‌کند. «صدق» وصفی است که جامع همه فضایل علم و عمل است، زیرا صدق خلقی است که همه فضایل اخلاقی یعنی عفت، شجاعت، حکمت و عدالت و فروع آنها را دربرمی‌گیرد؛ چراکه انسان جز اعتقاد، قول و عمل چیز دیگری ندارد و آنگاه که به زیور صدق آراسته گردید اعتقاد و سخن و عمل او با هم مطابق می‌شوند، در نتیجه کاری نمی‌کند مگر همان را که می‌گوید و سخنی نمی‌گوید مگر همان را که اعتقاد دارد. ذات و فطرت انسان بر قبول حق و خضوع باطنی در مقابل حق بنا شده است (حتی اگر خلاق آن را اظهار کند)، پس آنگاه که به حق اذعان کند و در آن صادق باشد، فقط همان را به زبان جاری می‌کند که به آن اعتقاد دارد و فقط کاری می‌کند که بر زبان آورده است و این‌گونه ایمان راستین و اخلاق نیکو و عمل صالح در او به کمال می‌رسد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۲۹ و ۴۳۰)
 قرآن کریم در جای دیگر مؤمنان واقعی را همان راست‌گویان معرفی می‌کند و می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ. (حجرات / ۱۵)

این آیه درصدد معرفی مؤمنان واقعی و ارزش‌گذاری ایمان در پیشگاه خداوند است و مؤمنان واقعی را فقط کسانی می‌داند که ایمان به خدا و رسولش وجودشان را فراگرفته و بر مقتضای همان ایمان در راه خدا با مال و جان جهاد می‌کنند. در نگاه قرآن چنین انسان‌هایی صادق به‌شمار می‌آیند؛ به تعبیر دیگر مؤمنان واقعی آناند که به زیور صدق آراسته‌اند.
 قرآن کریم در آیه‌ای دیگر به منظور ارزش‌گذاری و برتری دادن مؤمنان مهاجری که در عین فقر و ناداری و رانده شدن از خانه و اموال خود، برای رضای خداوند به نصرت خدا و رسولش همت گماشتند، آنان را راست‌گویان معرفی کرده است. (حشر / ۸)
 قرآن کریم در آیات متعددی به ارزش‌گذاری صدق و صادقان با تعابیری همچون: «رِجَالٌ صَدَقُوا»، (احزاب / ۲۳) «... فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ...»، (نساء / ۶۹) «وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ...»، (اسراء / ۸۰) «لِسَانَ صِدْقٍ»، (مریم / ۵۰؛ شعراء / ۸۴) «وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»، (زمر / ۳۳) «... إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ...»، (مریم / ۵۴) «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ...»، (مائده / ۱۱۹) «وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا...» (نساء / ۸۷) و پرداخته است. افزون بر این قرآن کریم به صراحت از مؤمنان خواسته است که با صادقین باشند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ». (توبه / ۱۱۹) صادقین آنهایی هستند که تعهدات خود را در برابر ایمان به

پروردگار به خوبی انجام می‌دهند، نه تردیدی به خود راه می‌دهند، نه عقب‌نشینی می‌کنند، نه از انبوه مشکلات می‌هراسند بلکه با انواع فداکاری‌ها، صدق ایمان خود را ثابت می‌کنند. شک نیست که این صفات مراتبی دارد، بعضی ممکن است در قله آن قرار گرفته باشند که ما نام آنها را معصومان علیهم‌السلام می‌گذاریم و بعضی در مراحل پایین‌تر». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۸ / ۱۸۰) با عنایت به این که نقطه مقابل صدق، کذب است مجموعه آیات قرآن که در مذمت کذب و کاذبان وارد شده‌اند نیز از اهمیت صدق و ارزش والای آن در منظومه اخلاقی اسلام پرده برمی‌دارند.

صدق و صداقت در روایات

جستجو در روایات رسیده از معصومان علیهم‌السلام از اهمیت و جایگاه منحصر به فرد بلکه «صدق» و راست‌گویی در منظومه اخلاق اسلامی به درستی پرده برمی‌دارد. آنچه در ذیل می‌آید فقط بخش کوچکی از این روایات است: پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم صدق را موجب نجات می‌داند: «مَنْ صَدَقَ اللَّهُ نَجَا». (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۷ / ۲۴۵)

امام علی علیه‌السلام در باب جایگاه صدق در اسلام چنین می‌فرماید: «الصِّدْقُ رَأْسُ الدِّينِ»: (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ش ۴۳۰۹) راستی، سر ایمان است. همچنین می‌فرماید: «الصدق اقوی دعایم الایمان»: (همان، ش ۴۳۱۰) راستی محکم‌ترین ستون ایمان است. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «أَلَا فَاصِدُّوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ صَدَقَ»: (مجلسی، ۱۴۳: ۶۶ / ۳۸۷) توجه کنید که راست‌گو باشید زیرا خداوند با کسی است که راست‌گو باشد.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ صَدَقَ لِسَانَهُ زَكَا عَمَلَهُ... (کلینی، ۱۳۶۲: ۸ / ۲۱۹)

هرکس زبانش صادق باشد عملش پاک خواهد بود.

امام علی علیه‌السلام می‌فرماید:

أَلَا فَاصِدُّوا فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَنْ صَدَقَ وَ جَانِبُوا الْكُذْبَ فَإِنَّ الْكُذْبَ مُجَانِبُ الْإِيمَانِ. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۴ / ۴۰۰)

توجه داشته باشید که صادق باشید زیرا خداوند با کسانی است که صادقند و از دروغ بپرهیزید زیرا دروغ از بین برنده ایمان است.

امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ لِلشَّرِّ أَقْفَالًا وَ جَعَلَ مَفَاتِيحَ تِلْكَ الْأَقْفَالِ الشَّرَابَ وَ الْكُذْبَ شَرُّهُ مِنَ الشَّرَابِ. (همان، ۲۳۶ / ۶۹ و ۲۳۷)

خداوند برای بدی قفل‌هایی قرار داده و کلید همه آنها را شراب قرار داده و دروغ از شراب بدتر است.

امام عسکری علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «همه بدی‌ها در خانه‌ای قرار گرفته و کلید آن دروغ است». (همان: ۲۶۳)

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

صاحب نیت صادق، صاحب قلب سلیم است، زیرا سلامت قلب از وسوسه‌های نفسانی نیت را در همه کارها برای خدا خالص می‌کند و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»، (شعراء / ۸۸ و ۸۹) (قیامت) روزی است که هیچ مال و فرزندی برای کسی سود نخواهد داشت. مگر کسی که با قلب سلیم به سوی خدا آمده باشد. (همان: ۶۷ / ۲۱۰)

تحلیل مفاد آیات و روایات

دقت در مفاد آیات و روایات فوق نتایج ارزنده‌ای را در باب اهمیت صدق و صداقت در منظومه اخلاق اسلامی در اختیار می‌گذارد: ۱. صدق در نگاه آیات و روایات مفهومی وسیع دارد به گونه‌ای که هم باورها، هم نیت‌ها، هم قول‌ها و هم افعال انسان را شامل می‌شود. براین اساس، مجموعه افعال جوانحی و جوارحی انسان می‌توانند متصف به صفت صدق و یا متصف به صفت کذب باشند.

۲. مجموعه فضایل اخلاقی که عبارتند از عفت، شجاعت، حکمت و عدالت و فروع و مصادیق گوناگون آنها، همگی در شعاع صدق قرار دارند، بدین معنا که این فضایل آنگاه در وجود انسان به حقیقت می‌پیوندند که پیش از آن ملکه صدق که مقتضای فطرت الهی انسان است در وجود او به‌راستی پدید آمده باشد. براین اساس می‌توان گفت صدق کلید همه فضایل اخلاقی است همان‌گونه که کذب کلید همه ردایل اخلاقی است.

۳. نیکی و نیکوکاری در نگاه آیات و روایات مفاهیمی جامع شناخته می‌شوند که هم عرصه باورها و هم عرصه اعمال و هم عرصه اخلاق را دربرمی‌گیرند. این مفاهیم آنگاه در وجود انسان به حقیقت مورد نظر آیات و روایات می‌رسند که با گوهر صدق و راستی همراه باشند. بنابراین، در صورتی که عرصه‌های وسیع ایمان، اعمال و اخلاق با گوهرگران صدق همراه نباشند صرفاً صورت‌های بی‌روح و بی‌ارزشی خواهند بود که با نیکی و نیکوکاری مورد نظر اسلام بیگانه خواهند بود.

۴. تقوا و قرار گرفتن در شمار متقین که شاه بیت آیات قرآن و روایات است، بر پایه صدق و راستی بنا می‌گردند: «وَالَّذِي جَاءَ بِالصَّدَقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ». (زمر / ۳۳)

۵. آراستگی به زیور صدق و همراهی با صادقان و همچنین پرهیز از کذب و دوری از کاذبان به دلیل آنکه در لسان آیات و روایات به‌صورت مطلق مورد تأکید قرار گرفته‌اند، همه عرصه‌های حضور انسان را شامل می‌شوند. براین اساس همان‌گونه که انسان در فضای محسوس و متعارف زندگی با همه وجوه و مظاهرش (از قبیل سخن گفتن‌ها، وعده‌دادن‌ها، نوشتن‌ها، باورها، ابراز احساسات، برخوردها و مواجهه‌های حضوری، دادوستدهای روزانه و ...) باید صادق و همراه با صادقان باشد؛ در فضای مجازی نیز با همه وجوه و مظاهرش باید صادق و همراه با صادقان باشد. اطلاق موجود در لسان آیات و روایات پیش‌گفته، همان‌گونه که زمان‌ها و مکان‌های مختلف را شامل می‌شود، عرصه‌های حضور انسان در فضای حقیقی و فضای مجازی - و هرگونه فضایی که در آینده کشف شود - را نیز به‌صورت یکسان شامل می‌شود.

۶. از آنجاکه صدق و راستی مقتضای فطرت الهی و حقیقت ذاتی انسان است، راسخ شدن ملکه صدق در وجود انسان زمینه‌ساز حرکت صحیح انسان بر مقتضای ساختار وجودی خود در همه حوزه‌ها و عرصه‌ها است (= مَن صَدَقَ لَسَأَهُ زَكَ عَظْمُهُ). بی‌تردید حرکت بر مقتضای ساختار وجودی موجب آرامش روحی (= فَإِنَّ اللَّهَ مَعَ مَن صَدَقَ) و نجات در دنیا (= مَن صَدَقَ اللَّهُ نَجَا) و رستگاری در آخرت (= هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ) خواهد بود.

جایگاه صدق در فضایل اخلاقی

اکنون با روشن شدن مفهوم صدق و آنچه آیات و روایات در باب چیستی و اهمیت صدق ارائه نموده‌اند، می‌توان به جایگاه بی‌بدیل صدق در فضایل اخلاقی دست یافت. توجه دقیق به جهات ذیل از اهمیت «صدق» و تقدم آن به‌عنوان یک اصل اخلاقی، بر سایر اصول پرده برمی‌دارد:

۱. گسترش مفهومی «صدق»؛ دربرگیرنده باورها، نیت‌ها، اعمال و رفتارهای اخلاقی‌ست. این گستردگی چنان است که هیچ حوزه‌ای از ایمان و عمل صالح و نیکی و تقوای الهی با همه مصادیق متعدد و متنوع از گستره شمول صدق، خارج نمی‌ماند.
۲. اتکاء کلیه فضایل اخلاقی بر «صدق»؛ به‌گونه‌ای که فضایی از قبیل عفت، شجاعت، حکمت و عدالت که هر کدام بر بُعدی از ابعاد وجودی انسان ناظرند، با همه فروع و مصادیق گوناگون، زمانی به حقیقت می‌رسند که پیش از آن ملکه صدق در وجود انسان به‌راستی به حقیقت پیوسته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱ / ۴۲۹ و ۴۳۰).
۳. ناظر بودن «صدق» بر ساختار وجودی انسان؛ بدین معنا که الزام اخلاقی انسان به صدق و راستی ناظر بر ذات انسان و تعالی فطری و کمال ذاتی اوست. در این الزام، هدف آن است که نفس انسان با ذات و فطرت الهی‌اش منطبق شود و به‌لحاظ نفسانی راست و صادق گردد. محصول انطباق نفس انسان با ذات و فطرت خدادادی‌اش فضیلتی است که در عرصه‌های مختلف باورها، نیت‌ها، رفتارها ظهور می‌یابد و راستی و صداقت در همه این زمینه‌ها نمایان می‌شود.
۴. اطلاق آیات و روایات در باب «صدق»؛ به‌گونه‌ای که الزام انسان به فضیلت صدق را فراتر از زمان، مکان و عرصه حضور انسان نشان داده است. در آیات و روایات، صادق بودن و با صادقان بودن هیچ‌گاه محدود به زمان خاص یا مکان خاص و یا عرصه‌ای خاص نگردیده است. این شمول فرازمانی، فرامکانی، فراعرصه‌ای حکایت از اهمیت و تقدم

«اصل صداقت» بر سایر اصول اخلاقی، دارد.

از آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که «اصل صداقت» یک اصل اخلاقی پیشینی، حاکم بر سایر اصول اخلاقی و ناظر بر ذات انسان است که شکل‌گیری و صدور هر محتوایی - اعم از باور، نیت، عمل - را در انسان و از انسان تصفیه می‌کند، بدون توجه به اینکه انسان در چه زمان، در چه مکان و یا در چه عرصه و فضایی حضور دارد.

واقعیت‌ها در فضای مجازی

فضای مجازی با همان تعریفی که پیش از این از آن ارائه گردید، دارای جنبه‌های متعددی از واقعیت‌های عینی است. دقت در همین جنبه‌ها این نتیجه را به بار می‌آورد که آن فضا نیز بخشی از فضای حقیقی زندگی ماست. این جنبه‌ها بدین قرارند: الف) کاربران فضای مجازی. کاربران فضای مجازی انسان‌ها هستند که در نقش‌های عرضه‌کننده و یا مصرف‌کننده ظاهر می‌شوند. حتی سازندگان این فضا و ابزارهای آن، نیز انسان‌ها هستند.

ب) ابزارهای فضای مجازی. ابزارهایی از قبیل رایانه‌ها، سرورها، نرم افزارها، دوربین‌ها، تصاویر، صوت‌ها و همه دستگاه‌هایی که به نوعی در ایجاد و در اختیار گذاشتن این فضا دخیل‌اند، همگی دارای واقعیت عینی و بخشی از فضای حقیقی ما بشمار می‌آیند.

ج) مکان، فاصله، اندازه و مسیر در فضای مجازی. فضای مجازی، مانند فضای فیزیکی، شامل (حداقل) چهار بُعد مکان، فاصله، اندازه و مسیر است و قاعده آنها مانند فضای فیزیکی است. «مکان» ما را به سوالاتی از نوع «کجا» رهنمون می‌شود. یک وب سایت در کدام سرور خاص واقع شده است؟ به کدام ایمیل باید پیام مان را ارسال کنیم؟ «فاصله» از ما پرسش‌های «چقدر» می‌پرسد. چندین انتقال از بین چندین کامپیوتر مختلف برای رسیدن به مقصد مورد نیاز برای اطلاعات لازم است؟ در بُعد «اندازه» ما از پرسش «چقدر بزرگ» سوال می‌کنیم. ما ممکن است تعجب کنیم که یک وب سایت تا چه حد می‌تواند گسترده باشد، به این معنی که چه مقدار اطلاعات در آن وجود دارد و شامل چه تعداد پیوند به سایت‌های دیگر می‌باشد. «مسیر» شامل موضوعات ناوبری است. ایمیل من با دنبال کردن یک مسیر مشخص با مجموعه‌ای از ارتباطات، در صندوق پستی شخص دیگری فرو می‌آید. مرورگرهای وب ما را قادر می‌سازد تا از رایانه‌های شخصی خارج شده و جهان الکترونیک را کشف کنیم و همان‌گونه که لینک‌ها را دنبال می‌کنیم، از سایتی به سایت دیگر منتقل شویم. (عاملی، ۱۸۹: ۲۵)

د) محتواها در فضای مجازی. نوشتارها، اسناد، فیلم‌ها، تصاویر، صوت‌ها، پیام‌ها و داد و ستدها و ... همگی همان‌هایی هستند که در فضای حقیقی وجود دارند با این تفاوت که همین واقعیت‌ها در فضای مجازی هیچ محیط فیزیکی متعارف و شناخته شده‌ای را اشغال نکرده‌اند.

تفاوت‌های فضای مجازی با فضای حقیقی

با همه قرابت‌ها و همسانی‌های فضای مجازی با فضای حقیقی، تفاوت‌هایی نیز بین دو فضا وجود دارد که مهم‌ترین آنها بدین قرارند:

الف) فضا. اصلی‌ترین تفاوت فضای مجازی با فضای حقیقی، نامحسوس بودن آن است؛ نه می‌توان آن را دید و نه می‌توان آن را لمس کرد. برخلاف فضای حقیقی که از مختصات فیزیکی برخوردار است، هم دیده می‌شود و هم لمس می‌گردد. فضا در جهان مجازی مفهومی بسیار انتزاعی است که در عرض فضای فیزیکی قرار دارد اما از مختصات آن یعنی طول و عرض و عمق برخوردار نیست؛ به همین سبب به «فضای دوم»، «فضای مجازی» و یا «جهان سوم» شهرت یافته است.

ب) فشردگی. یکی از مختصات اصلی فضای مجازی فشردگی در محتوای آن است. همین ویژگی این امکان را فراهم ساخته که حجم بسیار وسیعی از اطلاعات و داده‌های گوناگونی که جای دادن آنها در فضای حقیقی به راحتی ممکن نیست، با راحتی در آن جای داده شود و به راحتی نگهداری و منتقل شود.

ج) سرعت. یکی دیگر از مختصات اصلی فضای مجازی سرعت نقل و انتقال داده‌ها در این فضا می‌باشد. چنین سرعتی در مقیاس فضای حقیقی هیچ‌گاه قابل تصور نبوده است.

د) ناشناختگی. فضای مجازی این امکان را فراهم نموده که کاربران آن (چه عرضه‌کنندگان و چه مصرف‌کنندگان) می‌توانند به راحتی ماهیت حقیقی خود را پنهان و یا تغییر دهند. یک کاربر می‌تواند در فضای مجازی برای همیشه ناشناخته بماند و یا با چندین شخصیت به فعالیت بپردازد.

برجستگی نقش انسان در فضای مجازی

آنچه از این تفاوت‌ها برجسته می‌نماید، همان تفاوت در فضا است که تفاوت‌های بعدی را نیز پدید آورده است. در حقیقت کشف فضای جدیدی در جهان که پیش از این برای انسان ناشناخته مانده بود اکنون عرصه جدیدی از واقعیت جهان را بر او گشوده است که فشرده‌گی محتوا، سرعت انتقال و ناشناختگی کاربران از مختصات آن می‌باشد. تردیدی نیست که اصلی‌ترین نقش در این فضا نیز همانند فضای حقیقی، از آن انسان است. کشف فضای مجازی، ساخت و تنظیم تجهیزات سخت‌افزاری برای ورود به این فضا، تولید، تدوین و تنظیم محتواهای گوناگون برای این فضا و هر آنچه ورود و بهره‌برداری در این فضا را تسهیل می‌کند، همگی توسط انسان به انجام رسیده و می‌رسد. این مطلب بدین معناست که بازیگر اصلی چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی، یکی است و آن انسان است. این حقیقت، نتیجه مهمی را در پی خواهد داشت و آن اینکه همه الزامات، بایدها و نبایدها و اصول اخلاقی که ناظر بر انسان و فعل و انفعال اوست در هر دو فضا یکسان خواهد بود. الزامات و اصول اخلاقی ناظر بر شخص انسان قبل از هرچیز انسان را فارغ از زمان و مکان و فضا و سایر ملاحظات زمانی و مکانی مورد توجه قرار می‌دهند و در حقیقت ذات انسان و تعالی فطری و کمال ذاتی او را نشانه می‌روند. از باب مثال، اصل اخلاقی الزام انسان به رعایت امانت اولاً و بالذات متوجه شخص انسان به هدف تنظیم و تطبیق خصلت‌های نفسانی او با فطرت خدادادی و در نتیجه تعالی فطری و تکامل ذاتی اوست. البته نتایج گران‌بهایی که از تحقق راستین همین اصل عاید محیط اجتماعی و زندگی انسان می‌گردد بسیار گسترده، سازنده و ثمربخش خواهد بود. بسیار روشن است که اصل الزام انسان به رعایت امانت فارغ از فضایی است که انسان در آن به نقش آفرینی می‌پردازد و به همین دلیل انسان اخلاقی چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی (و چه در فضاهایی که پس از این بر او گشوده خواهد شد) خود را ملزم به این اصل می‌داند و تخطی از آن را هرگز مجاز نمی‌داند.

نتیجه

با روشن شدن مفهوم «صدق» و جایگاه پیشینی و تقدم رتبی آن به‌عنوان یک اصل اخلاقی از منظر آیات و روایات و همچنین دریافت تصویر روشنی از فضای مجازی، همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آن با فضای حقیقی و برجستگی نقش انسان در آن؛ اکنون می‌توان به استنتاج مفروض این پژوهش دست یافت. بر اساس آنچه گذشت نمی‌توان تردید کرد که «صدق» و راستی به دلیل: ۱. گستردگی مفهومی، ۲. اتکاء کلیه فضایل اخلاقی بر آن، ۳. ناظر بودن بر ساختار وجودی انسان و ۴. اطلاق آیات و روایات، در فضای مجازی نیز یک اصل اخلاقی پیشینی و حاکم بر سایر اصول اخلاقی به‌شمار می‌آید. کشف فضای مجازی در واقعیت جهان و حضور انسان در این فضا نمی‌تواند دلیل و یا مجوزی برای نادیده انگاشتن این اصل اخلاقی فراگیر، زیرساختی و ناظر بر ساختار وجودی و فطرت ذاتی انسان باشد. بی‌گمان انسانی که در ذات خود به زیور فضیلت صدق آراسته گردیده همان‌گونه که در کلیه فعل و انفعالات و تعاملات دنیای حقیقی صادق و با صادقان است، در همه فعل و انفعالات و تعاملات دنیای مجازی، چه در نقش تولیدکننده و چه در نقش مصرف‌کننده نیز صادق و با صادقان خواهد بود. این یک الزام فرازمانی، فرامکانی و فرا عرصه‌ای است.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، ۱۴۰۸ ق، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳. بل، دیوید، ۱۳۸۹، درآمدی بر فرهنگ‌های سایبر، ترجمه مسعود کوثری و حسین حسینی، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.

۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۶۶، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۸۵، *لغت‌نامه* (فرهنگ متوسط دهخدا)، به کوشش غلامرضا ستوده، ایرج مهرکی، اکرم سلطانی؛ زیر نظر جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. شهریار، حمید، ۱۳۸۸، «اخلاق رایانه؛ تاریخچه و کلیات»، *فصلنامه پژوهش‌نامه اخلاق*، ش ۴.
۷. طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
۸. عاملی، سعید رضا، ۱۳۸۹، *رویکرد دوقضایی به آسیب‌ها، جرایم، قوانین و سیاست‌های فضای مجازی*، تهران، امیرکبیر.
۹. فضای مجازی و ویژگی‌های آن. <http://article.tebyan.net/1447/>.
۱۰. فیض کاشانی، محسن، ۱۳۷۸ ق، *الحقایق فی معاسن الاخلاق*، تصحیح: السید ابراهیم المیانجی، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
۱۱. فیض کاشانی، محسن، بی تا، *المحججه البیضا فی تهذیب الاخلاق*، تصحیح علی اکبر الغفاری، چ ۲، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. قاسمی، مرضیه و احمدی، مهدی، ۱۳۹۵، «فضای مجازی، فرصت‌ها و چالش‌های هویت دینی در بین جوانان ایرانی»، *فصلنامه ره آورد نور*، ش ۵۶.
۱۳. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۲، *الکافی*، تهران، اسلامیه، چ دوم.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مصطفوی، حسن، ۱۳۶۰، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۷. معین، محمد، ۱۳۶۰، *فرهنگ معین*، تهران، امیرکبیر، چ چهارم.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی